

تحول در راهبرد نظامی عربستان: زمینه‌ها و دلایل

نادر پورآخوندی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷.۱۰.۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷.۰۸.۰۱

چکیده

هدف این مقاله، بررسی تحول در راهبرد نظامی عربستان است. عربستان از زمان تأسیس بیش تر به عنوان یک کشور نفتی شناخته می‌شد. این کشور اگرچه خود را به عنوان رهبر جهان عرب و حافظ کشورهای شبه جزیره عربستان تلقی می‌کرد؛ اما نیروی نظامی آن علی‌رغم هزینه‌های زیاد، فاقد توانمندی لازم برای نقش‌آفرینی در تحولات منطقه خلیج فارس بود؛ اما از سال ۲۰۰۳؛ به‌ویژه پس از بهار عربی، عربستان توانمندی نظامی خود را افزایش داد و مداخله در تحولات منطقه‌ای را شروع نمود. نیروی نظامی عربستان پس از ناآرامی‌ها در بحرین وارد این کشور شد و در حال حاضر به طور همزمان در دو عملیات نظامی مانند حملات هوایی ائتلاف بین‌المللی در سوریه و عملیات هوایی و زمینی علیه حوثی‌های یمن مشارکت دارد. این مقاله به بررسی چرایی تبدیل راهبرد نظامی تدافعی عربستان به راهبرد تهاجمی می‌پردازد و معتقد است با توجه به تغییراتی که در محیط امنیتی عربستان صورت گرفته، این کشور راهبرد نظامی تهاجمی اتخاذ کرده است. این مقاله برای آزمون فرضیه خود از روش توصیفی - تبیینی استفاده کرده و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی نشان می‌دهد که هدف اصلی این راهبرد، مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران است.

واژه‌های کلیدی: عربستان، راهبرد نظامی، رقابت منطقه‌ای، راهبرد تهاجمی، ایران

۱. عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران nader1353@gmail.com

مقدمه

عربستان از زمان تأسیس دولت آل سعود، در عرصه بین‌المللی بیش‌تر به‌عنوان صادرکننده نفت شناخته می‌شد و نیروی نظامی آن عمدتاً به‌عنوان یک نیروی دفاعی و فاقد تجربه جنگی تلقی می‌گردید که اولویت اصلی آن، دفاع از قدرت حاکم در برابر تهدیدات داخلی بود. این کشور علی‌رغم داعیه رهبری جهان عرب و کشورهای شبه‌جزیره عربستان، به علت فقدان توانایی لازم برای اجرای عملیات‌های نظامی برای مقابله با تهدیدات خارجی، سیاست خارجی منفعلانه اتخاذ می‌کرد و وظیفه مقابله با تهدیدهای خارجی را به نیروهای فرامنطقه‌ای و عمدتاً آمریکا محول کرده بود. از این رو، عربستان در دوران جنگ سرد در راستای سیاست‌های امنیتی آمریکا در خلیج فارس همراه با ایران، نظم دوستونی منطقه‌ای را تشکیل می‌داد. عربستان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تلاش ناموفقی برای ایجاد پیمان امنیتی در قالب شورای همکاری خلیج فارس انجام داد؛ اما ناتوانی شورای همکاری خلیج فارس در جلوگیری از حمله عراق به کویت، ناکارآمدی آن را نمایان ساخت. از این رو، مجدداً به رویکرد سنتی؛ یعنی استفاده از قدرت‌های خارجی برای تأمین امنیت خود و متحدانش متوسل شد.

این روند تقریباً تا هزاره جدید ادامه داشت؛ اما از آغاز هزاره جدید، عربستان شروع به گسترش سریع توانمندی نظامی خود نمود. عربستان طی سال‌های بین ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ در حدود ۱۲۰ میلیارد دلار سلاح از آمریکا وارد نمود و به بزرگ‌ترین واردکننده تسلیحات از آمریکا تبدیل شد (Thomas, 2017: 11). بنابر گزارش سیپری، عربستان در سال ۲۰۱۵ پس از آمریکا و چین به سومین کشور دارای هزینه نظامی تبدیل شد و هزینه نظامی آن در سال ۲۰۱۶ بالغ بر ۶۳ میلیارد دلار بوده است (Nan, 2017: 2). نوع و کیفیت تسلیحات عربستان نیز دچار تحول اساسی گردید. این کشور درصدد کسب تسلیحات راهبردی با برد و قدرت زیاد به‌طور اخص موشک‌های بالستیک و هواپیماهای راهبردی

تحول در راهبرد نظامی عربستان: زمینه‌ها و دلایل / ۳

برآمد. از سوی دیگر، عربستان راهبرد نظامی منفعلانه پیشین را کنار گذاشت و از سال ۲۰۱۱ با آغاز تحولات داخلی بحرین، تاکنون وارد فعالیت نظامی جدی شده است؛ به نحوی که نیروهای نظامی آن به‌طور همزمان در دو عملیات نظامی جدی مانند حملات هوایی ائتلاف بین‌المللی در سوریه و عملیات هوایی و زمینی علیه حوثی‌های یمن با عنوان «عملیات بازگرداندن امید» مشارکت دارند (Nuruzzaman, nationalinterest.org, 2016).

از این رو، این سؤال مطرح می‌شود که چه عاملی موجب شد که عربستان راهبرد نظامی سنتی خود را تغییر داده و با اتخاذ راهبرد نظامی جدید، رویکرد تهاجمی اتخاذ کند. این مقاله معتقد است که تغییر اساسی در محیط امنیتی و تهدیدات علیه بقای عربستان و عدم اعتماد به سیاست متحدان سنتی سبب شده است که این کشور با اتخاذ راهبرد نظامی جدید، رویکرد تهاجمی را اتخاذ کند. به عبارت دیگر، عربستان با اتخاذ راهبرد نظامی جدید درصدد ایجاد توانمندی نظامی گسترده به منظور خوداتکایی در زمینه ایجاد بازدارندگی در مقابل رقبا و دشمنان خود است.

۱. چهار چوب نظری

روابط کشورها را می‌توان در کنار سطح داخلی، در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی نمود. سطح بین‌المللی در دوران جنگ سرد از اهمیت بالایی برخوردار بود. در دوران جنگ سرد نظام بین‌الملل به دو قطب رقیب تقسیم می‌شد و روابط کشورها شدیداً متأثر از رقابت دو ابرقدرت بود؛ اما پس از جنگ سرد، ملاحظات منطقه‌ای؛ خصوصاً در کشورهای جهان سوم از اهمیت بالایی برخوردار گردید و نگرش محققان برای تبیین مسائل امنیتی جهان سوم به سطح منطقه‌ای معطوف شد که از آن جمله می‌توان به نظریه امنیتی منطقه‌ای بوزان و ویور اشاره کرد.

برحسب تعریف، « محیط امنیتی » به گروهی از دولت‌ها اطلاق می‌گردد که نگرانی - های امنیتی آنها تا اندازه‌ای به یکدیگر گره خورده؛ به طوری که امنیت ملی آنها را به صورت منطقی نمی‌توان جدا از یکدیگر مورد توجه قرار داد (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۵). به عبارت دیگر، در یک محیط امنیتی منطقه‌ای، فرایندهای امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن یا هر دوی آنها آن قدر درهم تنیده شده‌اند که مشکلات امنیتی را نمی‌توان جدا از یکدیگر تحلیل نمود.

مجموعه امنیتی را الگوهای پایدار دوستی و دشمنی تعریف می‌کنند. متغیرهای تاریخی نظیر دشمنی پایدار یا حوزه تمدنی مشترک، ویژگی خاص یک مجموعه امنیتی را تشکیل می‌دهد. الگوی دوستی و دشمنی را زمانی می‌توان به بهترین وجه فهمید که تحلیل از سطح منطقه‌ای آغاز شده و متغیرهای داخلی را در برگیرد. علت هراس کشوری از کشوری دیگر، عموماً از سطح سیستمی وارد نمی‌شود؛ بلکه ترکیبی از تاریخ، سیاست و شرایط مادی است که به صورت درونی در سطح منطقه‌ای تولید می‌گردد. الگوهای دوستی و دشمنی، ساختار بنیادین و ماهیت محیط امنیتی را تعریف می‌کنند (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۵) و بازتاب دهنده روابط قدرت و تجربه تاریخی هستند.

عنصر مرکزی و محوری در یک محیط امنیتی منطقه‌ای، روابط امنیتی بین اعضا و وابستگی متقابل بین آنها در زمینه امنیت است؛ بدین معنا که هرگونه تحول در روابط امنیتی بین دو عضو یک مجموعه، می‌تواند بر میزان امنیت طرف ثالث تأثیر بگذارد. وابستگی متقابل امنیتی میان کشورهای تشکیل دهنده یک محیط امنیتی می‌تواند آن قدر زیاد باشد که فرایند امنیتی منطقه‌ای دارای حیاتی جدا از نظام جهانی بوده و تأثیر نظام جهانی را به صورت‌های متفاوتی انعکاس دهد (لیک و همکاران، ۱۳۸۱: ۴۷).

در شکل‌گیری یک محیط امنیتی سه عامل نقش دارند:

تحول در راهبرد نظامی عربستان: زمینه‌ها و دلایل / ۵

۱-۱. **مجاورت جغرافیایی:** شکل‌گیری مجموعه امنیتی از یک طرف ناشی از تعامل بین ساختار آنارشیک و پیامدهای آن برای توازن قوا و از طرف دیگر، ناشی از فشارهای مجاورت جغرافیایی است. تعاملات امنیتی میان همسایگان، به مراتب بیش‌تر از تعاملات امنیتی با کشورها در سایر مناطق است. بسیاری از تهدیدات، فواصل کوتاه را به مراتب راحت‌تر از فواصل طولانی طی می‌کنند و نقش نیروی نظامی به‌عنوان عنصر اصلی تشکیل دهنده قدرت یک کشور و بازیگر اصلی مناقشات با افزایش بعد مسافت کاهش می‌یابد. ترسناک‌ترین مخالفان معمولاً در مجاورت و همسایگی یکدیگر قرار دارند و موضوعات مطرح در مناقشات ناگوار و حاد اغلب در سرزمین، قومیت و مذهب ریشه داشته و در رابطه با کشورهای نزدیک هستند (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۶).

از سوی دیگر، موانع جغرافیایی نیز در محیط امنیتی نقش دارند. کشوری که از موانع نفوذناپذیر بیش‌تری برخوردار باشد، میزان آسیب‌پذیری‌اش در مقابل نیروهای خارجی کاهش می‌یابد؛ در نتیجه، از محیط امنیتی مطلوب‌تری برخوردار خواهد بود. از این رو، ۷۰ درصد مناطقی که هرگز شاهد جنگ بزرگ نبوده‌اند، مناطقی غیرقابل دسترس بوده‌اند؛ درحالی که مناطق جغرافیایی آسیب‌پذیر، شاهد بیش‌ترین جنگ‌ها بوده‌اند (Tang, 2004: 2). کشورهای دارای موانع طبیعی، معمولاً راهبرد دفاعی را اتخاذ می‌کنند؛ چرا که موانع جغرافیایی به کشور فرصت بیش‌تری برای دفاع می‌دهد و مسائل لجستیکی و تدارکاتی کشور مهاجم افزایش می‌یابد؛ اما کشوری که به لحاظ جغرافیایی آسیب‌پذیر باشد، بیش‌تر از سیاست تهاجمی حمایت می‌نماید و درصدد دستیابی به تسلیحاتی است که قدرت بازدارندگی آنها را افزایش دهد.

۱-۲. **روابط دولت با دولت:** روابط دولت با دولت در محیط امنیتی، متأثر از ساختار آنارشیک است. دولت‌ها در ساختار آنارشیک برای حفظ امنیت باید به خود اتکا کنند و به دنبال کسب حداکثر قدرت باشند. از این رو، حفظ امنیت و ایجاد موازنه، به راهبرد اصلی

کشورهای موجود در یک محیط امنیتی تبدیل می‌شود. معمای امنیت، یکی از تبعات این راهبرد است؛ بدین معنا که هر اقدامی که یک کشور برای افزایش امنیت خود انجام می‌دهد، به کاهش امنیت سایر کشورها منجر می‌شود (Jervis, 1978: 169).

بر مبنای نظریه واقع‌گرایی، کشورها در مقابل افزایش قدرت یکدیگر واکنش یکسان نشان می‌دهند و آن را تهدیدی علیه خود تلقی می‌کنند؛ اما نظریه محیط امنیتی، عامل ذهنی را در نوع رفتار کشورها مؤثر می‌داند و تعاملات بین کشورها را صرفاً ناشی از عوامل مادی نمی‌داند. یک دولت تمایل دارد دولت دیگر را به عنوان تهدید تلقی کند و به شدت در مقابل آن واکنش نشان دهد؛ اما در مقابل کشور دیگر واکنش متفاوتی نشان می‌دهد. از نظر نظریه محیط امنیتی منطقه‌ای، این تفاوت واکنش ناشی از الگوی دوستی و دشمنی است (نصری، ۱۳۸۳: ۵۹۲).

۱-۳. ساختار قدرت منطقه‌ای: توزیع قدرت در سطح منطقه‌ای بر مبنای تعداد قدرت‌های بزرگ در سطح منطقه سنجیده می‌شود. توزیع قدرت در سطح منطقه‌ای می‌تواند مطابق با توزیع قدرت در سطح جهانی یا متفاوت با آن باشد؛ یعنی ساختار توزیع قدرت در سطح بین‌الملل می‌تواند دوقطبی باشد؛ اما الگوی قدرت در سطح منطقه‌ای چندقطبی یا تک قطبی باشد. بوزان و ویور قدرت‌های منطقه‌ای را به دو دسته نظام امنیت منطقه‌ای استاندارد و مرکزدار تقسیم کرده‌اند (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۶۵). توزیع قدرت استاندارد، شکلی از نظام امنیت منطقه‌ای است که دو یا چند قدرت در آن وجود دارند و یک برنامه امنیتی نظامی-سیاسی در آن غالب است. در محیط امنیتی استاندارد تعداد قدرت‌های منطقه‌ای، نوع توزیع قدرت را تعیین می‌کنند که می‌تواند شامل دوقطب یا چند قطب باشد.

اصلی‌ترین عنصر سیاست امنیتی در یک نظام امنیتی استاندارد، روابط قدرت‌های منطقه‌ای درون منطقه است. این روابط شرایط عملکرد قدرت‌های کوچک و نیز نحوه قدرت‌های جهانی در مجموعه امنیتی منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رژیم امنیتی در

تحول در راهبرد نظامی عربستان: زمینه‌ها و دلایل / ۷

نظام امنیتی استاندارد می‌تواند به شکل رقابت، توازن، ائتلاف یا کنسرت باشد. نظام امنیتی مرکزدار یک نظام تک قطبی است که قدرت اصلی یک قدرت بزرگ یا ابرقدرت است و قدرت‌های منطقه‌ای وزن کافی برای تعریف قطب منطقه‌ای را ندارند. در این نوع نظام امنیتی، بازیگر اصلی عمدتاً متأثر از پویای امنیت در سطح جهانی است تا منطقه‌ای.

۲. محیط امنیتی عربستان

خاورمیانه از سال ۲۰۰۳ پس از اشغال عراق توسط آمریکا دچار دگرگونی اساسی شده است. برخلاف تصور اولیه، حضور نظامی آمریکا در عراق موجب بهبود شرایط امنیتی متحدان منطقه‌ای آمریکا خصوصاً عربستان نگردید؛ بلکه رقبای منطقه‌ای عربستان مانند ایران، بیش‌ترین بهره را از سرنوشتی دولت صدام بردند. بهار عربی نیز این شرایط را وخیم‌تر نمود. شرایط منطقه‌ای جدید سه تأثیر عمده بر محیط امنیتی عربستان داشته است:

۱-۲. **قدرت‌یابی ایران:** سه کشور ایران، عربستان و عراق، مثلث قدرت در خلیج فارس را تشکیل می‌دادند و توزیع قدرت بین این سه کشور به گونه‌ای بود که همواره یک قدرت در مقابل دو قدرت دیگر قرار داشت. عربستان به لحاظ ماهیت حکومت خود، از رقیب ایدئولوژیک‌اش بیش از رقیب منطقه‌ای احساس خطر می‌کند. عربستان قبل از انقلاب ایران، عراق را رقیب ایدئولوژیک خود می‌دانست و به ایران نزدیک شد و ایران در قالب نظام دوستونی مسئولیت اصلی مقابله با رژیم صدام را برعهده داشت؛ اما پس از انقلاب، ایران به‌عنوان رقیب ایدئولوژیک مطرح گردید و رژیم صدام وظیفه اصلی مقابله با امواج انقلابی ایران را برعهده داشت.

حمله آمریکا به عراق و متعاقباً خروج نیروهای آمریکایی از عراق در سال ۲۰۱۱ بازی قدرت در خلیج فارس را شدیداً دگرگون ساخت. بی‌ثباتی فزاینده در عراق موجب خروج موقتی این کشور از مثلث قدرت در خلیج فارس شد. این امر عربستان را در

وضعیت رویارویی مستقیم با ایران قرار داد که تاکنون بی‌سابقه بوده است. در شرایط کنونی عربستان، ایران را نه تنها رقیب منطقه‌ای؛ بلکه رقیب ایدئولوژیک تلقی می‌کند که درصدد گسترش نفوذ خود در بین شیعیان کویت، بحرین، عربستان و یمن است.

از این رو، خاندان سعودی، سرنگونی صدام در عراق را به‌عنوان مهم‌ترین اشتباه تاریخی آمریکا در منطقه می‌دانند (Hartmann, 2016: 3)؛ چرا که از یک سو موجب سقوط صدام، مهم‌ترین قدرت منطقه‌ای علیه ایران گردید و از سوی دیگر، واکنش ایران به حضور آمریکا در مجاورت مرزهای خود پیامدهای ناگواری برای عربستان داشته است. حضور آمریکا در عراق به طور ناخواسته تلاش ایران را برای تقویت توان دفاعی خود افزایش داد. درحالی که اسرائیل و سایر کشورهای منطقه، آمریکا را برای اقدام نظامی یک‌جانبه علیه ایران تحت فشار قرار داده بودند؛ اما آمریکا به دلیل درگیری همزمان در افغانستان و عراق، نمی‌توانست به اقدام جدی علیه ایران مبادرت ورزد.

توافق هسته‌ای ایران با قدرت‌های بزرگ بر نگرانی عربستان افزود. تا قبل از توافق هسته‌ای ایران با قدرت‌های بزرگ، فشار غرب علیه ایران کاملاً در راستای سیاست عربستان برای مهار ایران بود؛ اما پس از توافق، عربستان احساس نمود که تنها در منطقه رها شده است (Burkhard, et al, 2017: 14)؛ از این رو، به همراه اسرائیل به شدت با این توافق مخالفت نمودند.

از نظر عربستان، سیاست خارجی آمریکا در منطقه در دوران اوباما خلاء قدرتی ایجاد کرده که ایران به سرعت در حال پر کردن آن و گسترش نفوذ خود در شرق جهان عرب خصوصاً در لبنان، سوریه و فلسطین است. افزایش نفوذ ایران در شرق جهان عرب، این نگرش را در عربستان تقویت نمود که اگر نمی‌تواند مانع نفوذ ایران در این منطقه گردد، حداقل در مقابل نفوذ ایران در منطقه موازنه ایجاد کند. علاوه بر این، عربستان به تدریج دریافت که به علت ضعف سایر کشورهای عربی، باید به‌تنهایی وظیفه مقابله با

تحول در راهبرد نظامی عربستان: زمینه‌ها و دلایل/ ۹

ایران را برعهده بگیرد (Gause III, 2014: 12). از این رو، مقامات عربستان با همراهی دولت اسرائیل در دوران ترامپ تلاش کردند از طریق لابی صهیونیست و لابی تسلیحات، سیاست آمریکا در قبال برجام را تحت تاثیر قرار دهند. بر همین اساس، پس از خروج آمریکا از برجام، مقامات عربستان به همراه اسرائیل از این اقدام استقبال نمودند.

۲-۲. ظهور رقبای ایدئولوژیک جدید: مشروعیت خاندان سعودی به تفسیر وهابی از اسلام متکی است و عربستان بر مبنای این تفسیر خود را به‌عنوان تنها کشوری معرفی می‌کند که قرآن را قانون اساسی خود قرار داده است و رهبران آن، خود را خادمان حرمین شریفین می‌نامند. از این رو، خاندان سعودی شدیداً نسبت به چالش‌های ایدئولوژیک حساس هستند. آنها برای گسترش نگرش وهابی، سرمایه‌گذاری فراوانی در کشورهای اسلامی انجام دادند و مجموعه‌ای از شبکه‌های مذهبی و سیاسی در کشورهای اسلامی ایجاد کردند که نتیجه آن ایجاد گروه‌های افراطی بود.

گروه‌های افراطی که ابتدا در قالب القاعدة و سپس در قالب داعش و سایر گروه‌های تکفیری سازماندهی شدند، تهدیدی جدی برای عربستان محسوب می‌شوند که امنیت داخلی و مشروعیت سیاسی دولت عربستان را به چالش می‌کشند. رهبران گروه‌های افراطی، اگرچه در قالب ایدئولوژی و آموزه‌های وهابی رشد و نمو پیدا کردند؛ اما با تفسیر رسمی روحانیون عربستان از اسلام مخالفت نمودند و خود را حافظان واقعی اسلام می‌دانند؛ برای مثال، رهبران داعش در سال ۲۰۱۵ طی ویدئویی از خاندان سعودی به عنوان ستمگران کافر یاد کردند و خواستار قیام طرفداران خود علیه حاکمان سعودی شدند (Blanchard, 2017: 15).

ادعای گروه‌های افراطی خصوصاً داعش برای ایجاد خلافت اسلامی، مشروعیت سیاسی خاندان آل سعود به‌عنوان خادم حرمین شریفین را به چالش می‌کشد. آنها غرب‌گرایی موجود در عربستان را تحقیر کرده‌اند و خواستار اجرای شدیدتر دستورات

اسلامی در عربستان هستند. ابوبکر البغدادی ادعا نمود که حاکمان عربستان برده مسیحیان و متحد یهودیان هستند و روحانیون عربستانی را به عنوان روحانیون درباری و مرتد می‌نامد. مجله دابق در ژانویه ۲۰۱۶ ترور چند تن از مقامات ارشد روحانی عربستان را توجیه می‌کند (Blanchard, 2017: 15).

به لحاظ نظامی، گروه‌های افراطی طی سال ۲۰۰۳ تاکنون عملیات تروریستی بسیاری در عربستان انجام دادند که بیش از ۵۰ نفر کشته و زخمی شدند؛ برای مثال، از سال ۲۰۱۴ حامیان داعش مسؤولیت چندین حمله در داخل عربستان را برعهده گرفتند. در سال ۲۰۱۵ یک فرد عربستانی وابسته به داعش، به عملیات انتحاری در مسجدی در کویت مبادرت نمود (www.reuters.com). افراد وابسته به داعش در آوریل ۲۰۱۶ در غرب ریاض از طریق عملیات انتحاری یک مقام ارشد پلیس عربستان را کشتند. همچنین، در جولای ۲۰۱۶ یک سری عملیات انتحاری در عربستان صورت گرفت که به قتل یک آمریکایی در جده منجر شد (Blanchard, 2017: 14). وزارت داخله عربستان در سال ۲۰۱۶ اعلام کرد که بیش از ۳ هزار عربستانی در گروه‌های افراطی خصوصاً داعش حضور دارند که ۷۰ درصد آنها در سوریه هستند. مطابق اظهارات مقامات وزارت داخله عربستان، از زمان شروع بحران در سوریه در سال ۲۰۱۱، بیش از ۳ هزار عربستانی به سوریه رفته‌اند. دولت عربستان در سال ۲۰۱۵ اعلام کرد که ۸۰۰ نفر سعودی و غیرسعودی را به خاطر طرح‌ریزی حمله در داخل عربستان یا حمایت از اقدامات گروه‌های افراطی دستگیر کرده است (Gaub, 2016a: 3).

گروه‌های افراطی اخیراً فیلم ویدئویی منتشر کردند که اعدام شهروندان سعودی متهم به جاسوسی را نشان می‌دهد. آنها در این فیلم خواستار قیام عربستانی‌ها برای سرنگونی خاندان آل سعود شدند. در حال حاضر در حدود ۱۰ هزار عربستانی در سازمان‌ها و گروه‌های افراطی مختلف حضور دارند و احتمال بازگشت آنها نگرانی عمده‌ای برای

تحول در راهبرد نظامی عربستان: زمینه‌ها و دلایل / ۱۱

مقامات عربستانی است. مقامات سعودی معتقدند شکست داعش در عراق و سوریه به صورت ناخواسته آنها را به سمت عربستان سوق خواهد داد؛ چرا که از نظر رهبران داعش، جمعیت محافظه‌کار سنی عربستان و مشکلات اقتصادی این کشور، زمینه لازم برای گسترش نفوذ آنها در عربستان را فراهم کرده است (Jenkins, 2016: 6).

۲-۳. **بی‌اعتمادی به متحدان سنتی:** عربستان پس از جنگ جهانی دوم کوشش نمود از طریق اتحاد راهبردی با آمریکا امنیت خارجی خود را تأمین نماید. این اتحاد مبتنی بر پایه‌های منسجمی از ارزش‌های مشترک یا اعتماد متقابل عمیق نیست؛ بلکه بیش‌تر مبتنی بر چانه‌زنی عملگرایانه است (McNamara, 2016: 149). عربستان جریان باثبات و قیمت مناسب نفت را برای آمریکا تأمین می‌کند و در مقابل آمریکا نیز امنیت عربستان در مقابل تهدیدات خارجی را تضمین می‌نماید. چنین نگرشی سبب گردید که از نظر عربستان تضمین‌های امنیتی آمریکا از اعتبار چندانی برخوردار نباشد. آنها معتقدند اتحاد با آمریکا امنیت کافی برای آنها فراهم نمی‌آورد و آمریکا همانند حسنی مبارک آنها را در شرایط حساس تنها خواهد گذاشت.

از سوی دیگر، عربستان نگران این است که وابستگی نظامی به آمریکا همانند وابستگی نظامی آلمان به آمریکا در دوران جنگ سرد، به ابزاری برای اعمال فشار به این کشور تبدیل شود؛ خصوصاً آن که تنها ابزار فشار عربستان بر آمریکا؛ یعنی وابستگی نفتی آمریکا به عربستان به خاطر تولید نفت در شمال آمریکا تضعیف شد و اگر آمریکا تصمیم به عدم همکاری نظامی با عربستان بگیرد، این کشور فلج خواهد شد (Gerzhoy, 2016).

در داخل آمریکا نیز نسبت به عربستان سوء ظن وجود دارد. از نظر بسیاری از مقامات آمریکایی، سوء استفاده عربستان از حقوق بشر و سیاست حمایت عربستان از سازمان‌های تروریستی فراملی، تهدیدی علیه امنیت ملی آمریکا محسوب می‌شود. از این

رو، جو بایدن، معاون اوباما در سال ۲۰۱۴ اظهار داشت که مهم‌ترین مشکل ما در مورد سوریه، متحدین ما مانند عربستان و امارات هستند. آنها سلاح و پول در اختیار هر کسی قرار می‌دهند که علیه اسد می‌جنگد؛ بدون توجه به این که آنها جبهه النصره یا القاعده هستند (McNamara, 2016: 154).

اوباما همچنین در مصاحبه با مجله آتلانتیک، کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس را به عنوان کشورهای معرفی کرد که از آمریکا سواری رایگان می‌گیرند و در آخرین سفر خود به عربستان، این کشور را برای پیشرفت‌های بیش‌تر در زمینه حقوق زنان، حمایت از اقلیت‌های مذهبی و کاهش حمایت از روحانیون بنیادگرا تحت فشار قرار داد. علاوه بر این، اوباما در این دیدار عربستان را به خاطر عدم تمایلش به پذیرش نقش ایران در جهان و همزیستی مسالمت‌آمیز با بزرگ‌ترین رقیب منطقه‌ای خود مورد سرزنش قرار داد. او عربستان را متهم نمود که مناقشات منطقه‌ای را بدتر نموده است و منافع امنیتی آمریکا را تضعیف می‌کند؛ درحالی که از امنیت آمریکا بهره‌مند می‌شود (Lieber, 2017: 44).

عربستان اگرچه قبلاً از سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا خصوصاً قانون جاستا (قانون عدالت علیه حامیان تروریسم) ناراضی بود؛ اما سیاست آمریکا در دوران اوباما مبنی بر «محور آسیا» و توافق آمریکا با ایران حس بی‌اعتمادی عربستان نسبت به آمریکا را تقویت نمود. همچنین، عربستان احساس نمود که به این کشور خیانت شده است و آمریکا مایل به ارائه چتر امنیتی روی عربستان و سایر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس نیست. اجلاس کمپ دیوید که در می ۲۰۱۵ با حضور سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس برگزار شد، این حس بی‌اعتمادی را تقویت نمود. اوباما در این اجلاس اگرچه حمایت آمریکا از دولت‌های عربی علیه هرگونه حمله خارجی را بیان داشت؛ اما از امضای موافقت‌نامه همکاری دفاعی دوجانبه و ایجاد ساختاری مانند ناتو خودداری کرد (Gaub, 2016b: 3). این امر نگرانی و تردیدهای عربستان در مورد پایداری

تحول در راهبرد نظامی عربستان: زمینه‌ها و دلایل / ۱۳

اتحاد بین آمریکا و عربستان را افزایش داد. این نگرانی حتی در دوران ترامپ نیز کاهش پیدا نکرده است؛ زیرا عربستان نسبت به تعهد آمریکا به ثبات منطقه‌ای تردید دارد. از نظر برخی از تحلیلگران حضور آمریکا در خاورمیانه بسیار هزینه‌بر است و این احتمال وجود دارد که آمریکا به جای حضور نظامی، شیوه کم هزینه‌تری انتخاب کند که در تضاد با محاسبات راهبردی عربستان قرار دارد. آنها همچنین نگران این هستند که آمریکا در دوران ترامپ نقش پلیس منطقه‌ای در خاورمیانه را ایفا نکند؛ چرا که افکار عمومی آمریکا تمایل چندانی به ایفای این نقش ندارد. از سوی دیگر، تاکید ترامپ بر اعاده عظمت آمریکا و اولویت نخست به آمریکا، به منزله دوری از مداخله در مسائل خاورمیانه خواهد بود (Szalai, 2017: 10).

۳. راهبرد تهاجمی عربستان

عربستان مانند بسیاری از کشورهای حاشیه خلیج فارس هیچ‌گونه سند رسمی به‌عنوان راهبرد دفاعی خود منتشر نکرده است. با وجود این، در اکتبر ۲۰۱۵ شاهزاده سلطان بن خالد الفیصل، فرمانده سابق نیروی دریایی سلطنتی عربستان در سخنرانی در واشنگتن مبنای اساسی راهبرد دفاعی جدید عربستان را بیان نموده است.

هدف از این راهبرد جدید، پاسخ‌گویی به نیازهای متغیر کنونی و تهدیدات احتمالی و تقویت موقعیت عربستان به‌عنوان رهبر جهان عرب و حافظ ثبات در شبه جزیره عربستان است. این راهبرد جدید در پی دستیابی به دو هدف اساسی بقا و امنیت رژیم عربستان است. به عبارت دیگر، راهبرد دفاعی جدید درصدد مقابله با کشورهای غیردوست و تهدیدات غیرمتعارف در منطقه خاورمیانه است (Wahab, arabnews, 2015).

راهبرد دفاعی جدید مبتنی بر جنگ در دو جبهه مختلف به‌طور همزمان است. این راهبرد پیش‌بینی می‌کند که عربستان در میان‌مدت یا بلندمدت در چنین موقعیتی قرار خواهد گرفت. بنابراین، توسعه نظامی عربستان باید به‌گونه‌ای سازماندهی شود که بتواند از

سرزمین خود دفاع کند و به‌طور همزمان از متحدان راهبردی خود نیز محافظت نماید (Obaid, 2014: 2). راهبرد نظامی جدید در کنار سایر موارد بر سه عنصر تقویت نیروی نظامی و گسترش خطوط دفاعی، نبرد سایبری و ضد تروریسم تأکید می‌نماید. عربستان بر مبنای این راهبرد خطوط دفاعی خود را گسترش داده است. عربستان به لحاظ جغرافیایی بسیار آسیب‌پذیر است و اقتصاد این کشور به جریان آزاد و باثبات انرژی در سه نقطه مهم: خلیج فارس، باب المندب و کانال سوئز وابسته است. نکته مهم این که عربستان بر هیچ یک از این سه مبادی ورودی/ خروجی کنترل ندارد و هرگونه بی‌ثباتی در این مناطق می‌تواند درآمدهای نفتی این کشور را تحت تأثیر قرار دهد. ثبات در این سه مبادی ورودی/ خروجی خصوصاً خلیج فارس برای عربستان بسیار حیاتی است؛ چون بزرگ‌ترین حوزه‌های نفتی عربستان در خلیج فارس قرار دارد و عربستان هیچ‌کترلی بر تنگه هرمز ندارد. علاوه بر این، بسیاری از منابع و تأسیسات نفتی عربستان در مناطق شیعه‌نشین در جنوب خلیج فارس قرار دارد که عربستان نسبت به تحرکات و اقدامات آنها حساس است.

جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ خصوصاً جنگ نفتکش‌ها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر بی‌ثباتی در این منطقه بر امنیت ملی عربستان را نشان داد. با توجه به ضعف نیروی دریایی عربستان در این زمان، این کشور برای تأمین امنیت منابع و حوزه‌های نفتی در خلیج فارس و مقابله با تهدیدات احتمالی علیه سرزمین اصلی خود در سال ۱۹۸۴ با کمک نیروهای آمریکایی خط فرضی موسوم به «خط فهد» را در خلیج فارس ترسیم نمود و با هرگونه اقدامات نظامی و رای این خط فرضی مقابله کرد (Razoux, 2015: 307).

عربستان با شروع بحران در یمن، این خط فرضی را به سمت دریای عرب، باب المندب و دریای سرخ امتداد داد. گسترش این خط فرضی سبب گردید که عربستان بتواند حداقل بر یکی از مهم‌ترین آبراه‌های بین‌المللی؛ یعنی تنگه باب المندب کنترل داشته باشد.

تحول در راهبرد نظامی عربستان: زمینه‌ها و دلایل / ۱۵

کنترل بر این آبراه بین‌المللی به‌عنوان یکی از مبادی اصلی ارسال نفت به اروپا، می‌تواند موقعیت راهبردی عربستان را به مقدار زیادی افزایش دهد؛ خصوصاً آن که عربستان در تنگه باب‌المندب تقریباً قدرت بی‌رقیب محسوب می‌شود.

علاوه بر این، در راهبرد جدید نظامی بر دفاع سایبری تأکید گردید. تهدیدات سایبری از زمان آلودگی تعداد زیادی از کامپیوترهای شرکت نفتی آرامکو در سال ۲۰۱۲ به یک نگرانی جدی برای عربستان تبدیل شد و حمله سایبری ۲۰۱۶ به نهادهای دولتی و شرکت‌های خصوصی این نگرانی را تشدید نمود. بنابر اظهارات مقامات سعودی در سال ۲۰۱۶ بیش از ۱۰۰۰ حمله سایبری علیه زیرساخت‌های حیاتی این کشور صورت گرفته است (www.scmagazineuk.com).

اهمیت دفاع سایبری با توجه به تأکید سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ بر تنوع بخشی به اقتصاد عربستان و مشارکت بخش‌های خصوصی دوچندان شده است. بر مبنای این سند، دسترسی و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات باید تسهیل گردد (Hathaway, 2017: 4). بر این اساس، عربستان شروع به سرمایه‌گذاری فراوان در زمینه توسعه توانمندی امنیت سایبری و اجرای اقداماتی برای بررسی ناامنی سایبری نموده است. عربستان در گام نخست به منظور تعدیل خطرات و ایجاد چهارچوب ملی برای امنیت سایبری، راهبرد امنیت اطلاعات ملی^۱ را تدوین نمود. این راهبرد خواستار تدوین راهبرد جداگانه‌ای برای امنیت سایبری به‌عنوان عنصر اساسی برای حفظ منافع و اموال حیاتی پادشاهی عربستان است و هشدار می‌دهد که اجرای مؤثر چنین راهبردی، مستلزم اجماع میان رهبران اصلی است (NISS, Draft 7, 2013: 22).

مقامات عربستان تفسیر بسیار موسعی از تروریسم دارند. آنها حزب الله و حماس و حتی اخوان المسلمین را نیز جزو سازمان‌های تروریستی تلقی می‌کنند (www.aljazeera.com) و به منظور مقابله با آنها سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی خود را گسترش داده‌اند. آسیب‌پذیری عربستان نسبت به تروریسم، ناشی از وابستگی این کشور به درآمدهای نفتی است. تاسیسات نفتی و لوله‌های نفتی عربستان - چه در خشکی و چه در دریا - نسبت به حملات تروریستی آسیب‌پذیر است و تاکنون حملات بسیاری علیه این تأسیسات صورت گرفته است؛ برای مثال، نیروهای امنیتی عربستان در سال ۲۰۰۶ حملات القاعده علیه پالایشگاه ابقیق به‌عنوان بزرگ‌ترین پالایشگاه نفتی جهان را خنثی کردند (www.susris.com).

علاوه بر این، عربستان با توجه به نقش بسیار مؤثر حزب الله در سوریه در سال ۲۰۱۵ شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب را وادار ساخت که حزب الله را به‌عنوان سازمان تروریستی تلقی کنند. از این رو، در خلال سفر ترامپ به عربستان دو کشور یادداشت تفاهمی در زمینه تشکیل مرکز مقابله با حمایت مالی از تروریسم امضا کردند. همچنین، عربستان ۱۰۰ میلیون دلار به مرکز بین‌المللی مبارزه با تروریسم سازمان ملل کمک کرده است (Jenkins, 2016: 6).

۴. برنامه‌ها و اقدامات عملی عربستان

عربستان برای تحقق راهبرد جدید دفاعی، دست به سه اقدام زد. این سه اقدام به‌گونه‌ای اتخاذ شدند که ضمن تقویت توان دفاعی عربستان و آماده‌سازی آن برای دو نبرد همزمان، از یک سو میزان وابستگی تسلیحاتی به آمریکا را کاهش دهد و از سوی دیگر، هدف عربستان برای کسب خود اتکایی در عرصه نظامی را محقق سازد.

تحول در راهبرد نظامی عربستان: زمینه‌ها و دلایل/ ۱۷

۱-۴. **خریدهای تسلیحاتی گسترده:** عربستان در سال‌های اخیر هزینه‌های نظامی خود را به مقدار بسیار زیاد افزایش داده است. بر مبنای برآوردهای وزارت دفاع آمریکا، هزینه نظامی عربستان در سال ۲۰۰۰ در حدود ۲۰ میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۱ تقریباً ۲۱٫۱ میلیارد دلار بوده است؛ اما پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ هزینه نظامی عربستان به سرعت افزایش یافت و از ۳۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴ به ۵۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ رسید. بهار عربی و بی‌ثباتی در عراق، لیبی و یمن، رشد هزینه‌های نظامی عربستان را تسریع بخشید (Jarzabek, 2016: 2). در آغاز بهار عربی در سال ۲۰۱۱ هزینه نظامی عربستان ۵۳ میلیارد دلار بود؛ اما این مبلغ در سال ۲۰۱۵ به ۸۴ میلیارد دلار رسید. عربستان در سال ۲۰۱۴ هزینه نظامی خود را ۵۴ درصد افزایش داد و به ۶۸ میلیارد دلار رساند. عربستان در سال ۲۰۱۵ به بزرگ‌ترین واردکننده تسلیحات در جهان تبدیل شده است (Hussain, 2016: 83).

کاهش درآمدهای نفتی، بسیاری از کشورها از جمله عربستان را وادار به کاهش هزینه‌های نظامی نموده است؛ به نحوی که عربستان از سومین کشور دارای هزینه نظامی در سال ۲۰۱۵ به چهارمین کشور دارای هزینه نظامی در سال ۲۰۱۶ تبدیل شده است. هزینه نظامی عربستان در سال ۲۰۱۷ در حدود ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی عربستان را تشکیل می‌دهد (Nan, et al, 2017: 7).

عربستان از سال ۲۰۰۹ تا سال ۲۰۱۷ در حدود ۱۲۰ میلیارد دلار سلاح از آمریکا خریداری کرده است. فروش نظامی آمریکا به عربستان به‌تنهایی بیش از فروش تسلیحات آمریکا به منطقه جنوب و شرق آسیا بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ است که در حدود ۴۸٫۵ میلیارد دلار بوده است. عربستان در سال ۲۰۱۵ پس از کره جنوبی، دومین واردکننده تسلیحات از آمریکا بوده است (Daniels, cnbc, 2017).

در خلال سفر ترامپ به عربستان، موافقت‌نامه جدیدی درخصوص فروش تسلیحات امضا شد. ارزش این معاملات بیش از ۱۱۰ میلیارد دلار است. این معامله درصدد برطرف نمودن نیازهای عربستان در زمینه امنیت ساحلی و دریایی، آموزش نیروی هوایی، امنیت سایبری، روزآمد نمودن ارتباطات، دفاع موشکی و هوایی و توانمندی ضد تروریسم است. عمده خریدها شامل سلاح‌های متعارف سنگین مانند هواپیمای جنگی، خودروهای زرهی و سامانه‌های موشکی بوده است (Thomas, 2017: 11).

عربستان درصدد تقویت نقطه ضعف‌های خود در زمینه نیروی نظامی زمینی، دریایی، هوایی و دفاع موشکی برآمد. نیروی زمینی عربستان همراه با گارد ملی در سال ۲۰۰۴ در حدود ۲۰۰ هزار نفر بوده است (Cordesman, Obaid, 2004: 17).

تعداد نیروی زمینی عربستان همراه با گارد ملی در سال ۲۰۱۵ به بیش از ۳۲۷ هزار نفر افزایش یافته است. طبق راهبرد جدید تعداد نیروی زمینی عربستان باید به ۵۰۰ هزار نفر افزایش یابد که ۲۰۰ هزار نفر را گارد ساحلی تشکیل می‌دهد. این تعداد به عربستان اجازه اقدام در دو نبرد همزمان را می‌دهد. عربستان در سال‌های اخیر به منظور تقویت نیروی زمینی، سفارش خرید نفربرهای زرهی به ارزش ۱۵ میلیارد دلار را به کانادا داده است (Thomas, 2017: 12).

نیروی دریایی عربستان در سال ۲۰۰۴ بسیار کوچک و ضعیف و شامل ۱۵۵۰۰ نیرو بود که از این تعداد ۳۰۰۰ نفر تفنگدار دریایی بودند. تنها نیروهای موجود در خلیج فارس به عنوان نیروی رزمی تلقی می‌شدند و نیروی دریایی آن در دریای سرخ بیش‌تر یک نیروی نمادین بود. تعداد نیروی دریایی عربستان در سال ۲۰۱۲ به ۲۵ تا ۳۰ هزار نفر رسید و طبق راهبرد جدید باید به ۵۰ هزار نفر برسد. نیروی هوایی عربستان نیز در این سال‌ها به مقدار زیادی تقویت گردید. بر مبنای برآوردهای موجود، عربستان دارای ۴۳۲ فروند هواپیمای جنگنده است که ۲۹۴ فروند از آنها آماده نبرد هستند. عربستان اخیراً ۷۲ جنگنده

تحول در راهبرد نظامی عربستان: زمینه‌ها و دلایل / ۱۹

تربوفن از انگلستان خرید. همچنین، سفارش ۸۴ فروند آخرین مدل هواپیمای جنگنده اف ۱۵ را به آمریکا داده است (Wezeman, 2011: 11).

علاوه بر این، عربستان رابطه نظامی خود را با اروپا خصوصاً بریتانیا و فرانسه حفظ کرده است. عربستان در سال ۲۰۰۹ سفارش خرید موشک هوا به زمین «سایه توفان» با برد ۲۵۰ کیلومتر را به انگلستان داد. برخی از مقامات عربستان درصدد گسترش نقش ناتو در خاورمیانه به عنوان راهی برای کاهش وابستگی به آمریکا و نیز استفاده از ناتو به عنوان پوشش سیاسی مقبول برای رابطه نظامی با آمریکا برآمدند. البته، آنها با محدودیت‌های ناتو و اتحادیه اروپا برای جایگزینی آمریکا در کمک نظامی به عربستان برای مقابله با تهدیدات خارجی در آتی آگاه هستند (Cordesman, Obaid, 2004: 2).

۲-۴. تنوع بخشی به منابع خرید تسلیحات: وابستگی عربستان به تسلیحات آمریکایی و غربی، به تدریج به نقطه ضعفی برای این کشور تبدیل شده است. آمریکا از فروش تسلیحات به عنوان ابزار فشاری علیه کشورهای متحد خود استفاده می‌کند و فروش این تسلیحات مستلزم موافقت کنگره آمریکاست که شدیداً تحت تأثیر ملاحظات سیاسی خصوصاً حفظ منافع اسرائیل در منطقه است؛ برای مثال، دولت آمریکا در دهه ۱۹۸۰ از ارائه مخازن بزرگ سوخت جنگنده‌های اف ۱۵ به عربستان امتناع نمود (Hussain, 2016: 140). این ملاحظات سبب گردید که عربستان درصدد خرید تسلیحات از کشورهای روسیه و چین برآید. این خریدها عمدتاً به دو دلیل صورت می‌گیرد: نخست آن که وابستگی انحصاری به آمریکا را کاهش دهد، و دوم این که روسیه و چین به هنگام فروش تسلیحات به سایر کشورها، سیاست‌ها و ملاحظاتی مانند ملاحظات حقوق بشری ندارند.

خریدهای تسلیحاتی عربستان از روسیه و چین عمدتاً سلاح‌های تهاجمی خصوصاً موشک است؛ چرا که مقامات عربستان موشک را یکی از بنیان‌های بازدارندگی می‌دانند. شاهزاده بندر، رئیس سازمان اطلاعاتی عربستان در سال ۲۰۱۳ طی دیداری با پوتین پیشنهاد

یک قرارداد تسلیحاتی ۱۵ میلیارد دلاری را ارائه داد. محمد بن سلمان همراه با عادل الجبیر در ژوئن ۲۰۱۵ به روسیه سفر کردند و شش موافقتنامه از جمله موافقتنامه‌ای در زمینه همکاری هسته‌ای، انتقال فناوری هسته‌ای صلح آمیز و حمایت‌های نظامی منعقد نمودند. پس از سفر محمد بن سلمان به روسیه در نوامبر ۲۰۱۷، اداره کمک‌های فنی نظامی روسیه اعلام کرد که این کشور سامانه دفاع موشکی S400 را برای عربستان فراهم می‌آورد (Shapiro, 2017: 3).

عادل الجبیر، وزیر امور خارجه عربستان طی سفری به روسیه علاقه‌مندی این کشور برای دستیابی به موشک اسکندر را اعلام کرد. عربستان خواهان موشک اسکندر مدل M بود که توسط ارتش روسیه استفاده می‌شود. در دیدار ملک سلمان از مسکو، روس‌ها با فروش تسلیحات پیشرفته از جمله سامانه دفاع موشکی S 400 به عربستان موافقت کردند (Cigar, 201: 190).

عربستان از سال ۱۹۸۸ از چین در حدود ۵۰ عدد موشک DF-3/CSS-2 با برد بین ۲۲۰۰ تا ۲۶۰۰ کیلومتر وارد نموده و در سال ۲۰۰۷ مبادرت به خرید موشک دو مرحله‌ای DF-21/CSS-5 با برد ۱۷۰۰ کیلومتر از چین کرده است (Hussain, 2016: 198). در سفر ملک سلمان به پکن یک موافقتنامه ۶۰ میلیارد دلاری بین عربستان و چین امضا شد و دو کشور با ساخت کارخانه هواپیمای بدون سرنشین در عربستان موافقت کردند. عربستان قراردادی با چین برای خرید ۳۰ فروند هواپیمای بدون سرنشین تهاجمی و همچنین، تولید هواپیمای بدون سرنشین شناسایی CH-4 امضا نمود. علاوه بر این، منابع نظامی روسی گزارش دادند که در سال ۲۰۱۴ بین عربستان و چین قراردادی در زمینه انتقال تعداد نامحدودی پهباد Pterodactyl I امضا شده است (Armstrong, thediplomat, 2017).

تحول در راهبرد نظامی عربستان: زمینه‌ها و دلایل / ۲۱

۳-۴. بومی‌سازی تسلیحات نظامی: عربستان در دهه ۱۹۸۰ اقدامات اولیه برای ایجاد صنایع دفاعی را آغاز و بین سال‌های ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۶ در حدود ۴٫۵ میلیارد دلار در زمینه صنایع نظامی عمدتاً الکترونیک و هوایی سرمایه‌گذاری کرد؛ اما ناامیدی از آمریکا، تلاش‌ها برای ایجاد صنایع دفاعی را سرعت بخشید. شرکت فضایی TAQNIA عربستان در سال ۲۰۱۳ با شرکت اوکراینی آنتونف قراردادی برای تولید مشترک هواپیمای باری سبک An-132 با مشارکت کارگران سعودی و اوکراینی منعقد کرد (Gaub & Stanley-Lockman, 2017:39).

عربستان در سال ۲۰۱۳ قراردادی با شرکت‌های آفریقایی جنوبی برای کمک به عربستان به منظور مسلح سازی هواپیمای بی‌سرنشین Seeker 400 منعقد نمود (Gaub & Stanley-Lockman, 2017:40). نمونه اولیه این هواپیما در سال ۲۰۱۶ تولید شده است. علاوه بر این، بخش‌هایی از بسته پیشنهادی ترامپ به عربستان شامل موافقت‌نامه‌ای در زمینه تولید اقلام خاصی در عربستان بوده است؛ برای مثال، موافقت‌نامه ۶ میلیارد دلاری بین شرکت مارتین لاکهید و شرکت توسعه و سرمایه‌گذاری فنی عربستان برای مونتاژ ۱۵۰ چرخ بال Blackhawk در عربستان منعقد گردید (Thomas, 2017:12).

سند چشم انداز ۲۰۳۰ عربستان برنامه بلندپروازانه‌ای برای ۱۰ تا ۱۵ سال آینده ترسیم کرده است. بر مبنای این سند، میزان تولیدات نظامی عربستان از ۲ درصد به ۳۰ تا ۵۰ درصد می‌رسد. دولت عربستان برای تحقق این هدف، ابتدا به تولید قطعات در داخل می‌پردازد. سپس به تولید مهمات و سلاح‌های کوچک مبادرت می‌کند و در نهایت، سامانه‌های تسلیحاتی پیچیده‌ای را تولید خواهد کرد که احتمالاً چندین دهه طول خواهد کشید.

این سند به شرکت‌های خارجی فرصت بی‌سابقه‌ای در بخش دفاعی سعودی؛ از جمله ساخت هواپیمای نظامی می‌دهد. این سرمایه‌گذاری به صورت سرمایه‌گذاری مشترک، انتقال فناوری و آموزش است. هدف دولت از این قراردادها، انتقال دانش و

فناوری و ایجاد متخصصان داخلی در حوزه‌های ساخت، حفظ، تعمیر، تحقیق و توسعه است. برای تحقق این هدف در برخی از موارد شرکت‌های خارجی متعهد شدند که بخش کوچکی از کار را به شرکت‌های سعودی واگذار کنند؛ برای مثال، وزارت دفاع عربستان شرکت‌های دفاعی را ملزم نمود که ۵ تا ۱۵ درصد از قطعات باید در شرکت‌های داخلی ساخته شود (Husein et al, mepc,2016).

عربستان برای رفع نیازهای خود در زمینه نیروهای متخصص، بودجه آموزشی خود را از ۲۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ به ۵۴٫۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ رساند (Saab,2014:18). در سال ۲۰۱۷ بودجه آموزشی عربستان ۲۲٫۵ درصد کل بودجه عربستان را تشکیل می‌دهد و معادل ۲۰۰ میلیارد ریال عربستان است. این آموزش‌ها عمدتاً در حوزه تخصصی و فنی مانند فناوری اطلاعات، پزشکی و مهندسی الکترونیک است (Bhatia,2017:15).

نتیجه‌گیری

هشت دهه از زمان تاسیس دولت آل سعود می‌گذارد و طی این مدت تغییرات مهمی در عرصه داخلی و خارجی عربستان روی داده است و عربستان به ناچار باید خود را با شرایط جدید تطبیق دهد و رویکرد جدیدی را در عرصه داخلی و خارجی اتخاذ کند. این رویکرد جدید مبتنی بر دو پیش فرض اساسی است: نخست، حکومت عربستان مرحله تثبیت را گذرانده و وارد مرحله تحکیم و گسترش شده است. از این رو، باید سیاست سستی مبنی بر احتیاط را کنار گذاشته و رویکرد جسورانه اتخاذ کند و دوم آن که برای همیشه نمی‌توان برای تامین امنیت خود به دیگران متکی بود.

در نتیجه، این نگرش در بین تصمیم‌گیرندگان سیاسی عربستان تقویت گردید که برای مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی باید خود را رسماً اقدام نمایند؛ زیرا کشورشان دارای

تحول در راهبرد نظامی عربستان: زمینه‌ها و دلایل/ ۲۳

زیرساختارهای اساسی و منابع انسانی لازم برای اجرای بازدارندگی و دفاع از خود است. از این رو، تصمیم‌گیرندگان سیاسی عربستان در سال‌های اخیر شدیداً به تقویت و افزایش توانمندی نظامی خود در زمینه تسلیحات تهاجمی خصوصاً موشک برآمدند تا از این طریق ضمن رفع نقطه ضعف‌ها، به قدرت بازدارندگی خود اعتبار لازم را ببخشند. از سوی دیگر، برای کسب اعتماد به نفس لازم وارد مداخله نظامی در یمن شدند.

اتخاذ این سیاست، پیامد ناگواری برای عربستان در عرصه داخلی و خارجی داشته است. به لحاظ داخلی افزایش هزینه‌های نظامی از یک سو و کاهش درآمدهای نفتی از سوی دیگر، به نارضایتی عمومی گسترده در عربستان منجر شده است. به لحاظ خارجی نیز مداخله نظامی مستقیم و غیرمستقیم عربستان در یمن و سوریه، موجب تشدید بحران در سطح منطقه‌ای گردید که به صدمات اقتصادی و انسانی بسیاری در سوریه خصوصاً یمن منجر شده و بسترهای رشد و گسترش تروریسم را در منطقه تداوم بخشیده است.

منابع

بوزان، باری. (۱۳۷۸). *دولت، مردم، هراس*، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

بوزان، باری و همکاران. (۱۳۸۹). *مناطق و قدرت‌ها*، ترجمه: قهرمان عسگرپور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

نصری، قدیر. (۱۳۸۳). «مناطق و قدرت‌ها»، *مجله مطالعات راهبردی*، سال هفتم، ش ۲۴. لیک و مورگان، (۱۳۸۱). *نظم/امنیت منطقه‌ای*، ترجمه: سید جلال الدین دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Armstrong, Ian, (2017). “*What’s Behind China’s Big New Drone Deal?*”, available: <https://thediplomat.com/2017/04/whats-behind-chinas-big-new-drone-deal/>.

Bhatia, Rima, (2017). “*Saudi Arabia Budget ,2017*”. available : https://www.gib.com/sites/default/files/budget_book_-_landscape_for_website.pdf.

Blanchard, Christopher M.(2017). “Saudi Arabia: Background and U.S. Relations”, *Congressional Research Service*, available: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/RL33533.pdf>.

Burkhard, sarah & et al, (2017). “Saudi Arabia’s Nuclear Ambitions and Proliferation Risks”, *Institute for Science and International Security*, available: <http://isis-online.org/isis-reports/detail/saudi-arabias-nuclear-ambitions-and-proliferation-risks/>.

Cigar, Norman, (2017), Missiles, Money, and Power Politics: The Riyadh–Moscow–Kiev Triangle, *The Journal of Slavic Military Studies*, 30:2

Cordesman , Anthony, & Obaid Nawaf,(2004). *Saudi Military Forces and Development: Challenges & Reforms*, Center for Strategic and International studies.

Daniels, Jeff,(2017). “*Russia Tries to Elbow its way into Saudi Arabia Arms Club*”, available: <https://www.cnbc.com/2017/05/06/russia-tries-to-elbow-its-way-into-saudi-arabia-arms-club.html>.

Gaub, Florence,(2016a). “ Saudi Arabia and the Islamic Alliance”, EUISS, *Brief*, No.1.

_____,(2016b). “An Arab NATO in the Making? Middle Eastern Military Cooperation Since 2011”, *Strategic Studies Institute*, available: <https://ssi.armywarcollege.edu/pdffiles/PUB1329.pdf>.

- Gaub ,Florence, & Stanley-Lockman Zoo,(2017), “Defence Industries In Arab States: Players and Strategies”, *EU Institute for Security Studies*, available: <https://www.iss.europa.eu/content/defence-industries-arab-states-players-and-strategies>.
- Gause III ,F. Gregory, (2014). “Beyond Sectarianism: the New Middle East Cold War”, *Brookings Doha Center Analysis Paper*, Number, 11.
- Gerzhoy, Gene , (2015). “*How to Manage Saudi Anger at the Iran Nuclear Deal*”, available: <https://www.washingtonpost.com/.../how-to-manage-saudi-anger-at-the-iran-deal/>.
- Hartmann , Laura, (2016). “*Saudia Arabia as a Regional Actor : Threat Perception and Balancing at Home and Abroad*”. Available: http://www.sciencespo.fr/psia/sites/sciencespo.fr/psia/files/HARTMANN_Laura_KSP_Paper_Award.pdf.
- Hathaway, Melissa, et al, (2017). “Kingdom of Saudi Arabia Cyber Readiness at a Glance”, *Potomac Institute for Policy Studies*, available: <https://www.belfercenter.org/publication/kingdom-saudi-arabia-cyber-readiness-glance>
- Hussain, Zakir , (2016). *Saudi Arabia in a Multipolar World: Changing dynamics*, New Dehli : Routledge India.
- Husein Amgad, et al, (2016), “*Defense Contracting in Saudi Arabia Middle East Policy Council*”, available: <https://www.mepc.org/commentary/defense-contracting-saudi-arabia>
- Jarzabek, Jaroslaw, (2016). “G.C.C Military Spending in Era of Low Oil Prices”, *MEI Policy Focus* ,No.19.
- Jenkins, Brian Michael, (2016). *A Saudi-Led Military Alliance to Fight Terrorism*, available: <https://www.rand.org/pubs/perspectives/PE189.html>
- Jervis, Robert,(1978), “Cooperation under Security Dilemma ”, *World Politics*, Vol.30,No.2.
- Lieber, Robert J. (2017) “Saudi Arabia and US Middle East Policy: The Consequences of Retrenchment”, *Mideast Security and Policy Studies*, No. 133.
- McNamara ,Eoin micheál, (2016). “*Promoting Stability in the Middle East? American Alliance with Saudi Arabia after the Rebalance*” available: https://dspace.ut.ee/bitstream/handle/10062/58025/mcnamara_us_saudi_alliance_after_rebalance.pdf?sequence=1&isAllowed=y.
- Nan Tian, et al ,(2017). “*Trends in World Military Expenditure, 2016*”, Sipri Fact Sheet, available: <https://www.sipri.org/sites/default/files/Trends-world-military-expenditure-2016.pdf>.

- “National Information Security Strategy for the Kingdom of Saudi Arabia – NISS, Draft 7,” (2013). available :
https://www.enisa.europa.eu/topics/national-cyber-security-strategies/ncss-map/national-cyber-security-strategy-of-saudi-arabia/at_download/file.
- Nuruzzaman, Mohamad, (2016). “*Saudi Arabia's Defense Doctrine is Missing Something: Defense*”, available : <http://nationalinterest.org/feature/saudi-arabias-defense-doctrine-missing-something-defense-17943>
- Obaid ,Nawaf,(2014). “ A Saudi Arabian Defense Doctrine”, Belfer Center for science and International Affairs. available:
<https://www.belfercenter.org/sites/default/files/legacy/files/Saudi%20Strategic%20Doctrine%20-%20web.pdf>.
- Razoux, Pierre,(2015). The Iran-Iraq War, New York:Harvard University Press
- Saab, Bilal Y.(2014)., “the Gulf Rising Defense Industrialization in Saudi Arabia and the UAE”, Atlantic Council of the United States.,
<http://www.atlanticcouncil.org/publications/reports/the-gulf-rising-defense-industrialization-in-saudi-arabia-and-the-uae>.
- Shapiro, Jacob L.(2017), Saudi Arabia, Russia: Delivering Missiles, Delivering Promises of Cooperation, available: <https://geopoliticalfutures.com/saudi-arabia-russia-delivering-missiles-delivering-promises-cooperation/>.
- Szalai, Máté, (2017). “The Alliance dilemma of the Gulf States after the Obama president”, available: http://unipub.lib.uni-corvinus.hu/2889/1/COJOURN_2017v2n2_3_01.pdf
- Tang, Shiping,(2004). "A System Theory of the Security Environment", The Journal of Strategic Studies, Vol.27, No.1.
- Thomas ,Clayton,(2017). “Arms Sales in the Middle East: Trends and Analytical Perspectives for U.S. Policy”, Congressional Research Service, available: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/R44984.pdf>.
- Wahab, Siraj(2015), “New Saudi Defense Policy Outlined”, available:
<http://www.arabnews.com/saudi-arabia/news/817166>
- Wezeman ,Pieter D.(2011). “Conventional Strategic Military Capabilities in the Middle East”, available: [https:// www .files.ethz.ch/isn/142928/wezeman.pdf](https://www.files.ethz.ch/isn/142928/wezeman.pdf).

تحول در راهبرد نظامی عربستان: زمینه‌ها و دلایل / ۲۷

- “Saudi brothers arrested over links to Kuwait mosque bombing”, available: <https://www.reuters.com/article/us-saudi-security-arrest/saudi-brothers-arrested-over-links-to-kuwait-mosque-bombing-idUSKCN0PH1EV20150707>.
- “Saudi Arabia strives to improve its cyber-readiness: Potomac assessment”, available <https://www.Scmagazineuk.com/saudi-arabia-strives-to-improve-its-cyber-readiness-potomac-assessment/article/695129/>.
- “Terrorist Attack at Abqaiq Oil Facility Thwarted”, available <http://susris.com/2006/02/25/terrorist-attack-at-abqaiq-oil-facility-thwarted/>.
- “Saudi and the Brotherhood: From friends to foes ” available : <https://www.aljazeera.com/news/2017/06/saudi-brotherhood-friends-foes-170623093039202.html>.





ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Evolution in Saudi Arabia's Military Strategy: Backgrounds and Reasons

Nader Poorakhondi¹: Teaching Member of political science, Khoramabad Branch, IAU, Khoramabad Branch, Iran.

Received on: 30.4.2018

Accepted on: 23.10.2018

Abstract:

The Kingdom of Saudi Arabia is more known as an oil exporting state than a military power. Saudi Arabia have always been claiming as the leader of the Arab World and protector of the countries of Saudi Arabia Peninsula but its military force despite spending considerable amount of money does not have the ability for playing a prominent role in Persian Gulf region's developments but from 2003, especially after Arab Spring events it has improved its military capabilities and interferes in regional developments. The Saudi Arabia military entered Bahrain after the unrest in that country. At present the Saudi Arabia military forces simultaneously participates in two military operations i.e. air attack in Syria along with international coalition and air and land operation against the Houthis in Yemen. The present article wants to examine the reason of Saudi Arabia military doctrine change from defensive to offensive position. The hypothesis is that the changes which have taken place in security environment of Saudi Arabia have led this country to adopt an offensive military doctrine. The present article has used descriptive-analytical method. The finding of the study shows that the purpose of the change in the military strategy of Saudi Arabia is to contain the regional influence of Iran.

Keywords: Saudi Arabia, military strategy, regional competition, aggressive strategy, Iran

¹. nader1353@gmail.com